

8433

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۰۰

۱

۲۴۰

نق

مبانی فلسفی علم تربیت اسلامی

دکتر علی لطیف



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۶

لطیفی، علی، ۱۳۶۰-

مبانی فلسفی علم تربیت اسلامی / علی لطیفی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.

هشت، ۲۲۲ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۱۴: علوم تربیتی: ۴۶)

ISBN: 978-600-298-179-0

بها: ۱۳۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه، ص. [۲۲۳] - ۲۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. اسلام و آموزش و پرورش - فلسفه ۲. Islamic education - Philosophy الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳۷

BP۲۳۰/۱۸/۵۷م۲ ۱۳۹۶

۴۹۵۹۶۲۳

شماره کتابشناسی ملی



مبانی فلسفی علم تربیت اسلامی

مؤلف: دکتر علی لطیفی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش و صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی آسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت و نفعی برای ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآمدی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از مارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بناگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. محققان موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت و همچنین، عموم اساتید، پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعات فلسفه تعلیم و تربیت و نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده گرامی، حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی و نیز ارزیابان محترم طرح، آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی شیروانی تشکر و قدردانی کند.

فهرست مطالب

درآمد..... ۱

فصل اول: کلیات

۱-۱. «فلسفه اسلامی» و «سبب از هم» «علم تربیت».....	۷
۲-۱. مهم‌ترین مفاهیم.....	۱۱
۱-۲-۱. فلسفه و علم و نسبت میان آن.....	۱۱
۲-۲-۱. «مبانی فلسفی» در این پژوهش و نسبت آنها با «فلسفه تعلیم و تربیت».....	۱۳
۳-۲-۱. علم تربیت اسلامی / دانش تربیت اسلامی.....	۱۶
۴-۲-۱. فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه.....	۱۸
۳-۱. فرایند و روش تحقیق.....	۲۵
۴-۱. راهنمای مطالعه کتاب.....	۲۷

فصل دوم: مبانی وجودشناختی علم تربیت اسلامی

۱-۲. مقدمه.....	۲۹
۲-۲. وجود و ماهیت و نسبت آن دو.....	۳۳
۱-۲-۲. معانی ماهیت.....	۳۳
۲-۲-۲. اصالت وجود و اعتباریت ماهیت.....	۳۴
۳-۲-۲. عدم امکان راه یافتن حقیقت وجود به ذهن.....	۳۶
۳-۲. تشکیک در وجود.....	۳۷
۱-۳-۲. حمل حقیقت و رقیقت.....	۴۰
۴-۲. مراتب و تقسیمات موجودات.....	۴۱
۱-۴-۲. عوالم هستی و مراتب آنها.....	۴۲
۲-۴-۲. مراتب طولی داشتن هر یک از اشیا و موجودات.....	۴۴

۴۵	۲-۴-۳. منزلت وجودی جسم و ماده
۴۶	۲-۴-۴. تقسیم موجودات به هستی‌های ارادی و هستی‌های غیر ارادی
۴۷	۲-۴-۵. تقسیم موجودات به حقیقی و اعتباری
۴۸	۲-۵. علت
۴۹	۲-۵-۱. ملاک نیاز به علت و نحوه وجود معلولات
۵۱	۲-۵-۲. تقسیمات علت (تام و ناقص، حقیقی و معده، علل اربعه)
۵۱	الف) تقسیم به تامّه و ناقصه
۵۲	ب) تقسیم به حقیقی (مؤثر) و اعدادی (مُعده)
۵۲	ج) تقسیم به فاعلی، غایی، صوری و مادی
۵۶	۲-۶. حرکت جوهری

فصل سوم: مبانی انسان‌شناختی علم تربیت اسلامی

۵۹	۳-۱. مقدمه
۵۹	۳-۲. حقیقت نفس مرآتیه
۶۰	۳-۲-۱. چیستی نفس
۶۱	۳-۲-۲. رابطه نفس با بدن و حرکت جوهری آن
۶۴	۳-۲-۳. قوای نفس
۶۸	۳-۲-۴. ملکات نفسانی و اخلاق
۷۳	۳-۳. معانی عقل و حقیقت آن
۷۷	۳-۳-۱. عقل نظری، عقل عملی و نسبت آن دو
۸۰	۳-۴. فعل انسان
۸۰	۳-۴-۱. مبادی صدور فعل
۸۳	۳-۴-۲. نقش نیت در فعل
۸۴	۳-۴-۳. پیامدها و آثار فعل
۸۷	۳-۵. حقیقت علم
۸۸	۳-۵-۱. خروج علم از مقوله کیف نفسانی و وجودی گشتن آن
۹۰	۳-۵-۲. تجرد مطلق علم و ادراک
۹۱	۳-۵-۳. تقسیم علم به حضوری و حصولی
۹۶	۳-۶. چگونگی حصول علم
۹۶	۳-۶-۱. ادراکات حسی، خیالی، وهمی و عقلی و فرایند ادراک آنها از دیدگاه حکمای مشاء
۹۷	۳-۶-۲. فرایند ادراک از دیدگاه حکمت متعالیه
۱۰۰	۳-۶-۳. اتحاد علم و عالم و معلوم
۱۰۳	۳-۶-۴. وابستگی شأن و مقام انسان به ادراکات وی
۱۰۴	۳-۶-۵. علم، یافتنی یا ساختنی؟
۱۰۷	۳-۶-۶. معیار هستی‌شناختی علم: برقراری رابطه علی و معلولی

۱۰۸	۳-۶-۷. عوامل فردی و اجتماعی تأثیرگذار در پیدایش علم.....
۱۱۴	۳-۷. حقیقت وحی و نسبت وجودشناختی آن با عقل.....
۱۱۵	۳-۷-۱. حقیقت وحی.....
۱۱۷	۳-۷-۲. نفس نبی و مراتب آن.....
۱۱۸	۳-۷-۳. نسبت وحی و عقل.....
۱۲۱	۳-۷-۴. نیاز بشر به نبوت و حقیقت احکام دین.....
۱۲۳	۳-۸. کمال و سعادت حقیقی انسان.....
۱۲۵	۳-۸-۱. نیاز به بدن برای استکمال.....
۱۲۷	۳-۸-۲. زندگی اجتماعی و استکمال.....
۱۲۸	۳-۸-۳. کمال قوه عامله.....
۱۳۱	۳-۸-۴. کمال قوه عالمه.....
۱۳۴	۳-۸-۵. نسبت عمل و علم در کمال انسان.....

فصل چهارم: مبانی معرفت‌شناختی علم تربیت اسلامی

۱۳۹	۴-۱. مقدمه.....
۱۴۰	۴-۲. امکان و محدوده علم به مابقی.....
۱۴۱	۴-۲-۱. شناخت ماهوی و شناخت وجودی.....
۱۴۱	۴-۲-۲. شناخت مطلق و شناخت نسبی.....
۱۴۳	۴-۲-۳. شناخت اکتناهی و شناخت وجه.....
۱۴۵	۴-۲-۴. شناخت حسی و شناخت عقلی.....
۱۵۰	۴-۲-۵. جمع‌بندی.....
۱۵۳	۴-۳. تقسیمات مفاهیم.....
۱۵۳	۴-۳-۱. معقولات اولی و معقولات ثانیه.....
۱۵۶	۴-۳-۲. ادراکات و مفاهیم اعتباری.....
۱۵۹	۴-۴. تقسیمات و طبقه‌بندی علوم.....
۱۶۲	۴-۴-۱. تمایز علم به معنای «مجموعه مسائل...» از «رشته دانشگاهی».....
۱۶۴	۴-۴-۲. ملاک وحدت مسائل در علوم حکمی.....
۱۶۶	۴-۵. حکمت نظری و عملی و نسبت آن دو.....
۱۷۰	۴-۵-۱. نسبت فلسفه با دیگر علوم.....
۱۷۳	۴-۵-۲. علوم زیرمجموعه حکمت عملی و نسبت آنها با علوم شرعی.....
۱۸۰	۴-۶. «صناعت» و نسبت آن با «علم».....
۱۸۵	۴-۷. چیستی معرفت صحیح و معتبر و چگونگی سنجش آن.....
۱۸۶	۴-۷-۱. معرفت صحیح و معتبر (تعریف ثبوتی).....
۱۸۹	۴-۷-۲. معیار احراز معرفت معتبر (ملاک اثباتی).....
۱۹۱	۴-۷-۳. بدیهیات؛ پایه تصدیقات حصولی.....

۱۹۳.....	۴-۷-۴. منطق، استدلال و برهان
۱۹۸.....	۴-۷-۵. پیدایش خطا در ادراکات
۱۹۹.....	۴-۷-۶. سنجش استناد و اعتبار در متون نقلی
۲۰۲.....	۴-۸-۸. هویت معرفت دینی
۲۰۲.....	۴-۸-۱. فلسفه الهی، فلسفه الحادی
۲۰۵.....	۴-۸-۲. دین، عقل و نقل
۲۱۳.....	۴-۸-۳. معیارهای دینی بودن علم
۲۱۳.....	معیار نخست: ابتدا بر فلسفه الهی
۲۱۵.....	معیار دوم: استفاده از نقل به عنوان منبع / دلیل معرفتی
۲۱۶.....	معیار سوم: غایتمند بودن علم به کسب سعادت حقیقی مورد نظر دین

فصل پنجم: خاتمه

۲۱۷.....	۵-۱. باهم‌نگری
۲۱۸.....	انسان، هویت، حیات، لذت و سعاد و کمال وی
۲۱۸.....	طبقه‌بندی علوم و نسب مرتبط با آن‌ها
۲۱۹.....	علوم جهان‌شمول و علوم موققت‌محور
۲۲۰.....	علم در نسبت با فن و هنر
۲۲۰.....	رهایی از بن‌بست نسبیت در عین اذعان به محدودیت‌های معرفت
۲۲۱.....	مراتب شناخت: از شناخت تجربی تا شناخت عقلی و فایز از آن
۲۲۲.....	دین و هویت دینی علوم
۲۲۳.....	منابع و مأخذ
۲۳۱.....	نمایه اصطلاحات

درآمد

یک. تأمل در تحقیق درباره علوم انسانی به صورت کلی و علوم تربیتی به صورت خاص از منظری اسلامی، یکی از دغدغه های نیم قرن اخیر مسلمانانی است که در پی مواجهه با تمدن غرب مدرن، به دنبال بازشناسی و بدیهه باز تعریف - نسبت های فکری و فرهنگی خود با اسلام از یک سو و مدرنیته از سوی دیگر - یک از مهم ترین عواملی که باعث جانکاه شدن این دغدغه و دشواری و پیچیدگی بیشتر تحقیق درباره نسبت این علوم با معارف و ارزش های اسلامی می شود، آن است که نخستین مواجهه جوامع اسلامی با تمدن مدرن، نه در لایه مبانی نظری - ارزشی و دیدگاه های فکری و علمی، بلکه در لایه های سطحی تر همچون دستاوردهای نهادی - اجتماعی و پیشرفت های فناورانه روی داد. عمده مسلمانان در مواجهه ای ابزاری با این پدیده ها، بر این باور بودند - و چه بسا هستند - که می توان از تمدن غرب، این استفاده اناری را نمود که دستاوردهای آن را به خدمت گرفت، لکن باورها و ارزش های بومی و اسلامی خود را نیز حفظ نمود؛ غافل از آنکه پیچیدگی حیات اجتماعی بسیار بیشتر از آن است که بتوان به آسانی - میان سبک زندگی و سلوک اجتماعی یک فرد یا جامعه با نظام باورها و ارزش هایش دیوار کشید.

اسماعیل راجی فاروقی، پایه گذار یکی از قدیمی ترین نهادهای فعال در زمینه اسلامی سازی علوم اجتماعی، هنگامی نظام های تربیتی مدرن در کشورهای اسلامی را به عنوان ریشه مشکلات و بحران های فرهنگی و هویتی جوامع اسلامی و در نتیجه، «بیماری امت» معرفی کرد (ر.ک: المعهد العالمی للفرکر الإسلامی، ۱۹۸۶، ص ۳۲) که بیش از نیم قرن بود این نهادها، با حمایت عوامل مختلف اجتماعی و سیاسی و حتی دینی، به برخی جوامع اسلامی وارد شده و جایگاه خود را تثبیت کرده بودند.

ورود علوم تربیتی به ایران نیز کم و بیش در همان سیاق پیش گفته روی داد: شکل‌گیری مدارس جدید و دیگر نهادهای آموزشی مدرن که در موارد قابل توجهی، با بی‌اعتنایی نسبت به نهادهای آموزشی موجود در آن زمان و حذف یا به حاشیه راندن کامل آنها به وقوع پیوست، بنیادی را برای شکل‌گیری و توجیه جایگاه علوم تربیتی مدرن فراهم کرد که با هیچ منطق و استدلالی نمی‌توان به راحتی آن را متزلزل نمود و در باب هویت و ابعاد چنین علمی، به امکان‌ها و گزینه‌های دیگری اندیشید. انکار، حذف و به حاشیه راندن نهادهای تربیتی سنتی و مجموعه علوم و دانش‌های نظری، تجربی و مهارتی مرتبط با آنها به قدری از منظر روانی و اجتماعی اثرگذار بود که حتی اکنون نیز، اندیشمندان تعلیم و تربیت در عمیق‌ترین لایه‌های نظری و خلوت‌ترین دهلیزهای ذهن خویش، از تأمل درباره هر گونه دانشی که در ضمن چنین نهادهایی (به‌ویژه نهاد آموزش عمومی و نهاد آموزش عالی به‌عنوان دو نهاد رشد یافته در بستر فرهنگی معرفتی مدرنیته جایگاهی نیافته و توسط آنها اعتباردهی نشود، هراسناکنند! گویی جوامع مسلمان در دوره معاصر، محکوم به آن هستند که در چارچوب نهادهای فرهنگی و آموزشی برآمده در تمدنی دیگر زیست کرده، حتی در همان چارچوب فکر کنند.

البته بخشی از این خوف و هراس، حاصل بی‌اطلاعی از -یا بی‌توجهی نسبت به- مشکلات و دشواری‌هایی است که همین نظام‌ها و نهادهای آموزشی مدرن در غرب، در بدو پیدایش خود، با آنها دست به گریبان بودند؛ زیرا عادات و عادات ذهنی حاکم در هر جامعه‌ای، ایده‌های اصلاحی بنیادین را در قدم‌های آغازین خود، با پاسبان‌های «غیر عملی» و «غیر واقع‌بینانه» توصیف می‌کنند. جورج یلر،^۱ فیلسوف اگزیستانسیالیست آموزش و پرورش، پس از آنکه در کتاب خود، به صورت‌بندی ویژگی‌های آرمانی یک آموزشگاه هستی‌گرایانه (که در بسیاری موارد، در تقابل کامل با قواعد و ویژگی‌های آموزشگاه‌های امپریالی رایج است) می‌پردازد، این‌گونه می‌نویسد:

متوجه هستیم که این پیشنهادی بسیار افراطی است و آن را غیر عملی خواهند خواند، اما از عمر آموزشگاه‌های همگانی زمان حاضر نیز اندکی بیش از یکصد سال می‌گذرد و به هنگامی که بار نخست عنوان شدند، آنها را افراطی و غیر عملی خواندند... (نلر، ۱۳۸۷، ص ۹۵).

دو. فلسفه - خصوصاً در تلقی ویژه شکل‌گرفته در تاریخ اندیشه و تمدن اسلامی - یکی از

مهم‌ترین دانش‌هایی است که عهده‌دار ارائه فهم عمیق، اصیل و مستقیم از هستی و موجودات آن، انسان و حیات وی و نسبت میان آنهاست. در دوره معاصر این گونه به نظر می‌رسد که فلسفه اسلامی نسبت خود را با زندگی انسانی از دست داده یا - در بیانی دیگر - چندان که باید و شاید، به زندگی و عمل و کاربرد، امتداد نیافته است. به نظر می‌رسد چنین وضعیتی دست‌کم به دو دلیل، به میزان قابل توجهی ناشی از نوع مواجهه ما با فلسفه اسلامی و نظام نظری و عملی ترسیم‌شده توسط آن است و نه نشانه‌ای از بی‌کفایتی آن.

جهت نخست آنکه ما با مفروض گرفتن بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های یک گونه خاص از زیست فردی، اجتماعی و معضلات و مشکلات برآمده در دل آن، به سراغ فلسفه اسلامی رفته، بر آن مسئله مریض می‌کنیم. این مواجهه از یک سو باعث پوشیده ماندن برخی ظرفیت‌های اصیل و اولویت‌های اساسی فلسفه اسلامی شده و صرفاً در همان محدوده به آن اجازه سخن می‌دهد که پرسش‌ها خواهان اند. این وضعیت خصوصاً هنگامی تأسف‌بارتر می‌شود که بدانیم، برخی مسئله‌های یک نظام فکری-فردی و نظام فکری-فرهنگی دیگر، اساساً شبه مسئله بوده یا اولویت بسیار کمتری دارند، بلکه حتی نوع صورت‌بندی از یک مسئله در دو نظام نیز در موارد متعددی با یکدیگر متفاوت بوده و به تناسب ظرفیت‌های متفاوتی در پاسخ به هر یک فعال می‌شوند. دومین دلیلی که نشان می‌دهد نوع مواجهه ما با فلسفه اسلامی (و بلکه به‌طور کلی، میراث علمی جهان اسلام) باعث قطع ارتباط آنها با زندگی اجتماعی شده، غفلت از نحوه ارتباط و نقش آفرینی فلسفه در حیات انسانی است. دانش فلسفه در فهم فیلسوفان مسلمان هیچ‌گاه مدعی نبوده و نیست که وظیفه دیگر علوم جزئی را بر دوش آورد، بلکه با نقش آفرینی در تعیین و تحدید موضوع علوم و نحوه وجود آنها و تعریف مفاهیم اساسی علوم از منظر وجودشناختی، منجر به پیدایش علوم می‌شود که وظیفه بسط و امتداد بنیان دانش‌ها را در حیات اجتماعی بر عهده دارند. در دوره معاصر، جوامع مسلمان با به حاشیه راندن حداکثری علوم و دانش‌های شکل گرفته در چارچوب جهان‌بینی مورد حمایت فلسفه اسلامی، برای تدبیر زندگی فردی و اجتماعی خود از علوم و دانش‌هایی استفاده می‌کنند که تار و پود فرهنگی-اجتماعی و

۱. و به همین دلیل، این ذهنیت ساده‌اندیشی است که با صرف تبیین و تفتیح مبانی و مفاهیم علوم انسانی یا علوم تربیتی بر پایه فلسفه اسلامی، شاهد پیدایش و رشد علوم انسانی مبتنی بر چنین فلسفه‌ای خواهیم بود. برای ملاحظه نکات بیشتر درباره رابطه فلسفه و دیگر علوم، به بند ۴-۵-۱ «نسبت فلسفه با دیگر علوم» از پژوهش حاضر مراجعه نمایید.

معرفتی - فلسفی آنها در تمدنی دیگر و تحت حمایت جریان‌های فکری دیگری شکل گرفته است. در این وضعیت، آیا امتداد نداشتن فلسفه (ی اسلامی) به زندگی فردی و اجتماعی (مدرن) ما نشان از بی‌کفایتی فلسفه اسلامی است؟

با نظر به دلیل نخست، به نظر می‌رسد برای فهم بهتر جهان‌بینی‌ای که توسط فلسفه اسلامی تصویر شده و تا زندگی روزمره انسانی نیز امتداد می‌یابد، نیازمند آنیم که به گونه‌ای عمیق‌تر با این جهان‌بینی و نحوه نگرش آن به علوم و حیات بشری، زیسته و آن را براساس چارچوب‌های اصیل خودش باز روایت کنیم. دلیل دوم نیز حداقل این بصیرت را به ارمغان می‌آورد که بدون تأمل جدی در اُرة مسائل و موضوعاتی که باعث پیدایی علوم مدرن شده‌اند و بدون تحلیل وجودشناختی مهم‌ترین مفاهیم تأثیرگذار در این علوم و اعطای نقش تعیین‌کننده به چنین تحلیلی، نمی‌توان اثربخشی فلسفه اسلامی در علوم ناظر به زندگی را به نظاره نشست.

سه. کتاب حاضر برایت که بخش نخست از یافته‌های طرحی تحقیقی است که سعی کرده است - به میزان وسیع پژوهشگری - با نظر به فلسفه اسلامی، امکان‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای پیدایش و تحول علم تربیت اسلامی فراهم کند. بخش دوم این یافته‌ها در کتابی دیگر با عنوان هویت و روش‌شناسی علم تربیت اسلامی ارائه خواهد شد. همان‌گونه که از نام دو کتاب نیز آشکار است، کتاب نخست به تمهید مقدمات فلسفی برای مباحث کتاب دوم می‌پردازد.

هرچند تا کنون برخی آثار پژوهشی در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به انجام رسیده است، لکن به نظر می‌رسد هنوز فاصله زیادی تا وضعیت مطلوب در این قلمرو پژوهشی وجود دارد. ضمن قدرشناسی نسبت به تلاش‌های انجام‌شده، در پژوهش حاضر تلاش شده است که حاصل کار، واجد چنین ویژگی‌هایی باشد:

- برجسته نمودن جهات اشتراک دیدگاه‌های حکمای مسلمان و راجعه به باسنت فلسفی جهان اسلام به عنوان یک سنت پیوسته و دارای تکامل تدریجی، در عین توجه به ظرفیت‌های اختصاصی هر یک از مکاتب و فیلسوفان (به‌ویژه حکمت متعالیه و فیلسوف برجسته آن، صدرالمتألهین شیرازی) در حل برخی اشکالات فلسفی؛

- عنایت به دیدگاه‌های مختلف و متخالف حکمای مسلمان در برخی مسائل مهم مورد نیاز و سعی در جهت ارائه جمع‌بندی‌های مبتنی بر معیار و قابل ارزیابی فلسفی از این دیدگاه‌ها؛

- تتبع گسترده در آثار دست اول فلسفه اسلامی برای شناسایی دیدگاه‌هایی که به نحوی می‌توانند در پاسخ به پرسش‌های اساسی پژوهش اثرگذار باشند؛

- اهتمام کیفی و کمی نسبت به استنادات و ارجاعات مطالب نقل شده، به منظور افزایش عیار علمی اثر و تسهیل مراجعه به منابع تفصیلی تر برای علاقه‌مندان به مطالعه و تحقیق بیشتر؛

- پرداختن به دیدگاه‌های فلسفی با تمرکز بر جهت ارتباط آنها با تعلیم و تربیت و پرسش‌های مد نظر پژوهش و اشاره به جهت نقش‌آفرینی هر دیدگاه در تعیین هویت و روش‌شناسی علم تربیت اسلامی و مباحث پیرامون آن در پایان هر بند؛

- ارائه مباحث در نظامی منطقی، سازوار و به‌هم‌پیوسته با استفاده از شبکه ارجاعات درون‌متنی میان مبانی فلسفی و بندهای ذیل آنها.

چهار. به سرانجام رسیدن این کتاب مرهون زحمات و تلاش‌های استادان و بزرگوارانی بوده که نویسنده در طول سالیان تحصیل، از دانش و تجربه آنان بهره‌برده و حیات علمی خود را مدیون آنان می‌داند. وظیفه خود می‌دانم به صورت ویژه، راهنمایی‌ها و ارشادات استاد ارجمندم حجت‌الاسلام والمسلمین شریعتی، حمید پارسانیا و همچنین، حضرت آیت‌الله علیرضا اعرافی و حجت‌الاسلام والمسلمین کرم‌الله‌تعالی داودی را ارج نهاده و از آنها تشکر نمایم. همچنین، سپاسگزار حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی شیروانی هستم که ضمن بازبینی مطالب این کتاب، ملاحظات و نکات سودمندی ارائه فرمودند.

هرچند نویسنده به بضاعت اندک خود در این وادی واقف و معترف بوده و کار را بی‌عیب و نقص نمی‌بیند، لکن امید آن دارد که خوانندگان فرهیخته کتاب از سر اغماض به اشکالات و نارسایی‌های آن نگریسته، با اهدای ملاحظات و راهنمایی‌های خود، به راستی و درستی هرچه بیشتر آن مدد رسانند.

«اللَّهُمَّ إِنِّي فَهِهُتُ عَنْ مَسْأَلَتِي أَوْ عَمِيتُ عَنْ طَلِبَتِي فَذَلِّلْنِي عَلَى مَصَالِحِي وَادِّعْنِي إِلَى مَرَاثِدِي فَلَيْسَ ذَلِّكَ بِشُكْرٍ مِنْ هِدَايَاتِكَ وَلَا يَذِيعُ مِنْ كِفَايَاتِكَ اللَّهُمَّ اخْمِلْنِي عَلَى غَفْوِكَ وَلَا تَجْعَلْنِي عَلَى عَذْلِكَ»
(نهج البلاغه، خطبه ۲۲۷).

علی لطیفی - قم مقدس

بهار ۱۳۹۶